

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران

محمد رحیمی^۱

عالیه شکرپیگی^۲

باقر ساروخانی^۳

زهرا حضرتی صومعه^۴

تاریخ وصول: ۹۵/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۹

چکیده

خانواده امروزی به لحاظ شکل و محتوا تغییر و تحولات گوناگونی را تجربه کرده است. نهاد خانواده به‌موجب مؤلفه‌های نوسازی، دچار تغییرات مهمی شده و این تغییرات، مسائلی را در برابر خانواده قرار داده است. بر این اساس در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین پرداخته شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زوجین منطقه یک شهر تهران می‌باشند. به‌منظور تعیین حجم نمونه مناسب و با عنایت به جمعیت آماری تحقیق و نیز برآورد حجم نمونه به روش کوکران نمونه‌ای (۴۰۰ نفر) مورد تخمین قرار گرفت و بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای انتخاب گردید. از طریق پرسشنامه هدایت‌شده اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار (spss) پردازش گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین زوجین استفاده‌کننده و استفاده‌نکننده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تفاوت معناداری به لحاظ تغییرات در روابط زناشویی آن‌ها وجود دارد. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین (عاطفی، جنسی، اجتماعی، خانوادگی، خویشاوندی) رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت سه متغیر «عضویت»، «نوع استفاده» و «میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی» ۳۲ درصد از تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: خانواده، شبکه‌های اجتماعی مجازی، روابط زناشویی زوجین، شهر تهران.

۱- دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسؤل)
m.rahimi5564@gmail.com

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استادیار جامعه‌شناسی، تهران، ایران
ashekarbeugister@gmail.com

۳- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
saroukhani@yahoo.com

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استادیار جامعه‌شناسی، تهران، ایران
hazrati14@yahoo.com

مقدمه

امروزه در قرن بیست و یکم که با نام هزاره فن‌آوری اطلاعات شناخته می‌شود، وسایل ارتباط جمعی نقش بسیار مهم و پررنگی دارد، به نحوی که وظایف و نقش‌های زیادی را بر عهده گرفته است. با فرارسیدن عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش فراگیر آن که به دنبال خود مفاهیم جدیدی چون واقعیت مجازی و فضای سایبری را به همراه آورد، تغییر و تحولات زیادی در زندگی بشر ایجاد شد و ما را با جهان جدیدی مواجه ساخت؛ جهانی که در آن متفاوت می‌اندیشیم و به‌طور کلی، جهانی که در آن متفاوت زندگی می‌کنیم. ورود به این نوع جامعه جدید، همچون مرحله گذار از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی، تمامی جنبه‌های حیات بشری را تحت تأثیر قرار داده و تحولاتی عمیق را در ساختار جوامع و روابط میان افراد به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با انبوهی از فرصت‌ها و چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است.

با ورود رسانه‌های نوین^۱، خانواده‌ها دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند. خانواده امروز با مجموعه وسیعی از عوامل مانند فناوری‌ها، جهانی‌شدن^۲، گسترش آموزش و آموزش عالی، فراغتی‌شدن جامعه، رسانه‌ای گردیدن، زناشه‌شدن، مصرفی‌گشتن، دموکراتیک‌شدن^۳، شبکه‌ای گردیدن، مجازی‌شدن^۴، زیبایی‌شناسانه شدن و دیگر فرایندهای عمومی تحول فرهنگ ارتباط دارد. البته می‌توان تمام این عوامل را نیز به‌نوعی بخشی از ویژگی‌های جامعه شهری امروزی دانست. جامعه ایران نیز مانند جوامع دیگر از فرآیندهای مذکور تأثیر پذیرفته است. این تأثیرات در شهر تهران بیش از تمام شهرهای دیگر ایران می‌توان مشاهده کرد (Fazeli, 2011: 34).

با توجه به رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده روزافزون از این فن‌آوری جدید، شاهد ورود عناصر فرهنگی جدیدی در میان خانواده‌ها و حریم خصوصی آن‌ها هستیم که باعث پیدایش سلیقه‌ها، نگرش‌ها و باورهای متفاوتی در میان آن‌ها شده است. امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن ساعتی از وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نکند و رفتار و افکارشان تحت تأثیر آن قرار نگیرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی بخش اعظم زمان زوجین جوان را به خود اختصاص داده و به دلیل گستردگی و ناشناخته ماندن آن آسیب‌های اجتماعی چندی را بر خانواده‌ها وارد کرده است.

در این پژوهش نگارنده تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین با تأکید بر گرایش زوجین به شبکه‌های اجتماعی مجازی را در منطقه یک شهر تهران مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد در

1. New media
2. Globalization
3. Democratization
4. Virtualization

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

جریان نوین شدن^۱ جامعه و اشاعه ارزش‌های جدید^۲، خانواده دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و در این جریان منطقه یک شهر تهران به لحاظ شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده است. به طوری که آمارها حاکی از آن است که منطقه مورد مطالعه در دوران معاصر تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. در پژوهش حاضر، مسأله‌ی تغییرات جاری در خانواده در شهر تهران مدنظر است و انتخاب منطقه یک شهر تهران به عنوان جامعه آماری پژوهش به چند دلیل است: ترکیب خاص جمعیتی این شهر که التقاطی از انواع جمعیت‌ها با فرهنگ‌های مختلف است و میدان مناسبی را برای انجام مطالعه یادشده فراهم می‌آورد؛ سوابق تحقیقاتی محقق در این منطقه؛ آشنایی نسبی با شرایط اجتماعی و فرهنگی آن و از همه مهم‌تر تناسب موضوعی مسأله‌ی تغییرات جاری در خانواده با ویژگی‌ها و مسائل خانواده‌های منطقه یک تهران (با استناد به آمار طلاق و مشکلات زناشویی در این منطقه). از سوی دیگر نگاهی به برنامه‌های نهادهای اجتماعی در منطقه مورد مطالعه بیانگر این است که مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی بالأخص در حوزه خانواده یکی از وظایف مدیران بخش‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه و مدیران محلات منطقه یک شهر تهران می‌باشد. لذا با توجه به مطالب فوق موضوع اصلی پژوهش این است که آیا بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه وجود دارد؟ و چه میزان از تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی تبیین می‌شود؟

هدف اصلی این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی رابطه گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران در سال ۱۳۹۵ انجام شده و در قالب این هدف اصلی، اهداف اختصاصی ذیل نیز دنبال می‌شود:

- ۱- سنجش متغیر وابسته (تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران).
- ۲- سنجش متغیرهای مستقل (گرایش زوجین منطقه یک شهر تهران به شبکه‌های اجتماعی مجازی).
- ۳- شناسایی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط عاطفی زوجین؛
- ۴- شناسایی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط جنسی زوجین؛
- ۵- شناسایی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط اجتماعی زوجین؛
- ۶- شناسایی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط خانوادگی زوجین؛
- ۷- شناسایی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط خویشاوندی زوجین؛
- ۸- ارائه راهکارهایی جهت مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در حوزه خانواده.

1. Modernization
2. Modern values

مروری بر ادبیات تجربی پژوهش بیانگر این که فضاهای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی پدیده‌ای نوظهور بوده و پیشینه تجربی چندانی در این زمینه وجود ندارد که بتواند موضوع پژوهش‌های دقیق و معتبر قرار گیرد. با وجود تحولات سریع فضای مجازی و گستردگی آن، پژوهش‌های انجام‌شده در مورد آثار و پیامدهای گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین بسیار اندک است. در ذیل به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود.

صادقی فسایی و عرفان منش (۱۳۹۲) در تحلیل تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی نشان داده‌اند که نهادهای اجتماعی جامعه ایران در سیر دگرگونی‌های ناشی از مدرنیته کامل، یکسان و همزمان تغییر نکردند. در این میان، سطوح خرد و کلان در ساختار خانواده به‌گونه‌ای ناهماهنگ نسبت به تغییرات جامعه، دگرگون شده‌اند. این وضعیت برهم‌کنشی ناسازگار بین برخی از اجزای مرتبط با خانواده‌ی سنتی و پاره‌ای ارزش‌های برخاسته از مدرنیته پدید آورده است. همچنین، به دلیل ناهماهنگی برخی تحولات خانواده با تغییرات کنونی جامعه، این امر به منشأی برای بروز آسیب‌ها و مسائل اجتماعی بدل شده است. در چنین وضعیتی، نه می‌توان خانواده‌ها را به رعایت قواعد نظام هنجاری سنتی تشویق کرد و نه می‌توان پذیرش نظام هنجاری مدرن را مناسب و تناسب‌دهنده ارزیابی کرد.

چراتی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی کاربران متأهل پرداخته‌اند. این مقاله درصدد تبیین پیامدهای منفی و مثبت حضور در فضای شبکه‌های مجازی (وایبر، واتس آپ و لاین) بر نگرش و کنش مردان متأهل نسبت به قواعد زندگی زناشویی و به‌طور کلی سبک زندگی زناشویی آنان است. این پژوهش به‌صورت ساخت‌یافته انجام شده است اما به خاطر وجود مسائل اخلاقی بدون استفاده از پرسشنامه مکتوب، با تکنیک مصاحبه و استفاده از سؤال‌های باز از ۱۱۰ پاسخگوی مرد متأهل و با روش نمونه‌گیری گلوله برفی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حضور در شبکه‌های مجازی اغلب جهت گذراندن اوقات فراغت، سرگرمی و اطلاع از دوستان بوده است. اگرچه شبکه مجازی از نظر کاربران جایگزین مناسبی برای صلح‌رحم نمی‌باشد ولی حضور در فضای مجازی تأثیر قابل توجهی بر افزایش سطح آگاهی داشته است. همچنین ارتباط معناداری با گرایش به پنهان‌کاری، ایجاد بی‌توجهی اخلاقی، وابستگی اعتیادگونه و دوستی با جنس مخالف داشته و همچنین به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای اعتماد متقابل را در میان زوجین کاهش می‌دهد که از پیامدهای حضور در فضای شبکه‌های مجازی است.

«بررسی تأثیر اعتیاد به فن‌آوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر ازهم‌گسیختگی خانوادگی در شهر کرد» پژوهشی است که توسط گنجی و همکاران (۱۳۹۴) انجام شده است. مطالعه‌ی حاضر از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل تمامی خانواده‌های ساکن در شهر کرد می‌باشد. یافته‌های پژوهش محققین نشان می‌دهد که بین اعتیاد به فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و تمایل به ارتباط دوستی و جنسی خارج از چارچوب خانواده، گرایش به غرب، تضعیف ارزش‌ها و کاهش دین‌داری، افزایش

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

احساس بیگانگی اجتماعی و بی‌هویتی در جامعه، رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر، تأثیر هر یک از متغیرهای فوق، بر ازهم‌گسیختگی خانوادگی نیز مستقیم و معنادار است و این بدان معناست که با افزایش هر یک از متغیرهای واسطه‌ی فوق، بر میزان ازهم‌گسیختگی خانوادگی افزوده می‌شود. همچنین در رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام، تأثیر استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و نیز تمایل به ارتباط دوستی و جنسی خارج از چارچوب خانواده بر ازهم‌گسیختگی خانوادگی معنادار است و این دو متغیر، حدود ۶۸ درصد از تغییرهای مسأله‌ی ازهم‌گسیختگی خانوادگی را تبیین می‌کنند.

رابرت کراوت (۱۹۹۸) در تحقیقی درباره تناقض‌گویی اینترنت به این نتیجه رسید که فن‌آوری اینترنت، مشارکت اجتماعی و سلامت روانی را کاهش می‌دهد. این طرح با نام هومنِت توسط رابرت کراوت انجام گرفته است. این تحقیق جهت روشن کردن این مسأله به کار رفته است که آیا اینترنت مشارکت اجتماعی و سلامت روانی را توسعه می‌دهد یا برای آن مضر است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت برای برون‌گرایان یا آنان که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند، دستاوردهای بهتری - درآمد بیشتر، افزایش اشتغال در اجتماع و عزت‌نفس و همچنین کاهش در تنهایی، احساس منفی و فشار زمان - دارد، اما برای درون‌گرایان یا آنان که از حمایت اجتماعی کمتری برخوردارند، دستاورد بدتری دارد. استفاده بیشتر از اینترنت، برای بزرگسالان و نوجوانان تقریباً فواید متفاوتی در بردارد. به قسمی که برای بزرگسالان، استفاده بیشتر از اینترنت، با افزایش تعاملات رو در روی محلی و نزدیکی‌شان به دوستان و بستگان دور همراه است.

یکی از پژوهش‌های معروفی که به رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی پرداخته است، نظرسنجی است که با عنوان نظرسنجی ۲۰۰۰ شهرت دارد. نظرسنجی ۲۰۰۰ توسط انجمن ملی جغرافیا از سپتامبر تا نوامبر ۱۹۹۸ برای اعضای پایگاه اینترنتی این انجمن که خود نوعی شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دادند، قابل دسترس بود. نتایج نظرسنجی ۲۰۰۰ بیانگر این مطلب است که افرادی که مدت طولانی‌تری در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند، به انواع بیشتری از فعالیت‌های اینترنتی پرداخته‌اند و رفته‌رفته میزان حضورشان در فضای وب بیشتر شده و فعالیت‌های آن‌ها در اجتماع غیرمجازی کمتر می‌شود و در حقیقت، شبکه‌های اجتماعی به موضوعی محوری در ساخت و بازسازی شیوه زندگی و فعالیت‌های مختلف اجتماع کاربران تبدیل می‌شود (Wellman & Cowan Haas, 2008).

پالما کینیر (۲۰۰۴) در کتابش به بحث پیرامون تغییرات خانواده معاصر می‌پردازد و خانواده‌های جدید برای زمان‌های جدید به این نکته اشاره می‌کند که اوضاع جدید نمایانگر سقوط اخلاقی نیست، بلکه کوشش‌هایی بر ساخت‌گرایانه از سوی مردم است، بدان منظور که بتوانند خانواده‌هایی را پایه‌ریزی کنند که در دنیای پیچیده پست‌مدرن به حیات خود ادامه دهد. وی بر وجود نگرشی تاریخی در مطالعه دگرگونی‌های خانواده تأکید می‌کند و معتقد است که این دگرگونی‌ها نتیجه‌ی تغییرات عمیق‌تر جامعه است.

با توجه به مطالبی که ذکر گردید مسلماً بدون داشتن رویکرد نظری معین، نمی‌توان به تبیین عمده‌ترین تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین پرداخت. از این رو گام نخست برای درک تغییرات مذکور، ارائه چارچوب نظری مناسب باشد. لذا اساس این پژوهش بر نظریه تحولات خانواده ویلیام گود، نظریه از جا کنده‌گی گیدنز و نظریه نوسازی متکی است.

ویلیام گود در دهه ۱۹۶۰، با انتشار کتاب انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، تحولات خانواده را در مرکز توجه قرار داد. وی، ضمن پژوهش‌های دامنه‌دار خود درباره‌ی تحولات خانواده، اظهار می‌دارد که الگوهای خانواده اغلب در برابر فشارهای بیرونی مقاومت می‌کنند. همچنین جهت تغییرات خانواده در جوامع مختلف متفاوت است و حتی زمانی که دو نظام خانواده در یک جهت تغییر می‌کنند، نتایج این تغییر یکسان نخواهد بود (Goode, 2003: 16-23). به تعبیر گود، نظام خانواده خود را برای پیشرفت جامعه‌ی نوین به گونه‌ای تغییر داده که روند صنعتی شدن و مدرنیته را تسهیل نموده است.

به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی بوجود می‌آید. شدت گسیختگی را در ازهم‌پاشیدگی و تلاش خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد (Mohseni Tabrizi, 2004: 68).

به عقیده‌ی گیدنز، دگرگونی‌های بزرگی در خانواده روی داده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: ارزشمند دانستن (تکریم) فرزندان^۱، تحول نقش‌های زن و شوهری، موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه‌ی قدرت آن‌ها با مردان و درنهایت ظهور «دموکراسی عاطفی^۲» در خانواده که در آن تساوی، ارتباط و اعتماد وجود دارد. گیدنز، با اتخاذ دیدگاه لیبرالی، به رسمیت شناختن روش‌های مختلف و متکثر زندگی خانوادگی را بسیار پراهمیت می‌خواند. از نگاه گیدنز، خانواده‌ی مستحکم جدید خانواده‌ای است که در آن تساوی زن و مرد، ارتباط صحیح، اعتماد و اتخاذ تصمیم به شیوه‌ی دموکراتیک (غیر خشونت‌آمیز) جریان دارد (Giddens, 2004: 126). گیدنز شکل‌گیری ارتباط میان عشق و زناشویی و نهادینه شدنش در قالب خانواده‌ی هسته‌ای و روابط صمیمانه‌ی زناشویی را ناشی از بازتعریف جایگاه فرد در محیط نوین می‌داند (Giddens, 1992).

از دیدگاه گیدنز، روابط اجتماعی تحت تأثیر مدرنیته قرار دارند و تأثیر آن بر هر نوع رابطه‌ای، مانند پیوندهای خویشاوندی، روابط شخصی و عناصری از این دست غیرقابل انکار است. به باور وی، در دوران جدید پیوندهای خویشاوندی تحلیل رفته و «این‌که انواع خاصی از پیوندهای خانوادگی در برخی از محیط‌های جوامع نوین نیرومند باقی مانده است، نمی‌توانند به معنای این باشد که خویشاوندی هنوز همان نقشی را که زمانی در تنظیم زندگی روزانه‌ی اکثریت مردم بازی می‌کرد، ایفا می‌کند». مکان و

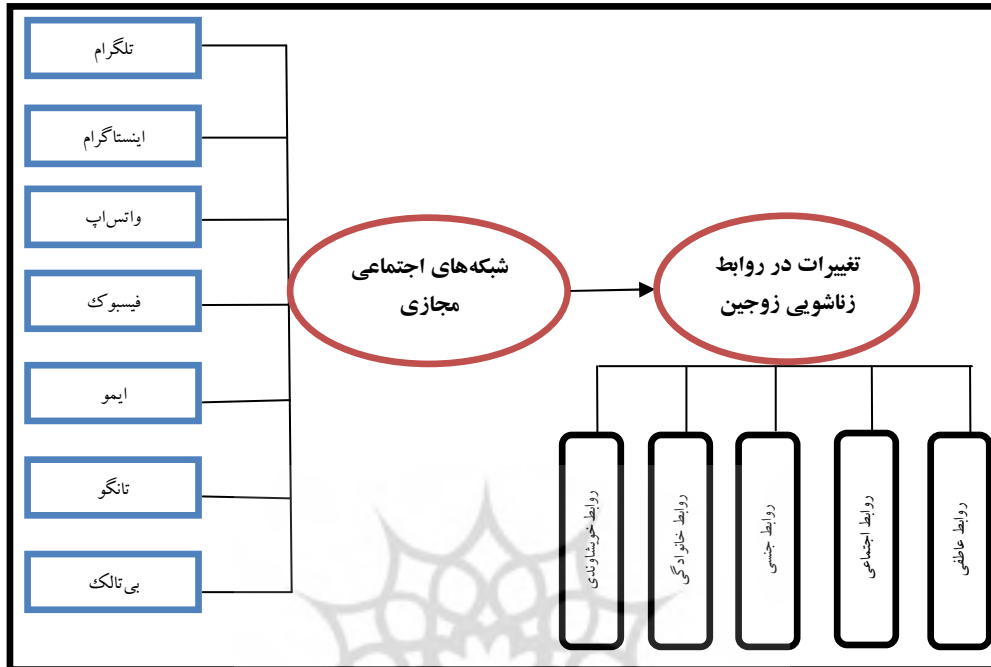
1. prized chiled
2. emotional democracy

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه‌ی اعتماد و روابط صمیمانه را فراهم کنند (Labibi, 2014: 485).

رویکرد نوسازی با الهام از نسخه غربی توسعه و ترقی، بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آموزش نوین، بهداشت جدید، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل و ارتباطات تأکید دارد و این‌که با ورود آن‌ها به هر جامعه سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود. تغییرات ساختاری عمدتاً از طریق نشان‌گرهای نوسازی یعنی رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل‌ونقل و ارتباطات و اشکال متعدد تکنولوژی‌های جدید تبیین می‌شود (Jayakody & et al, 2007: 4). از این‌رو تئوری نوسازی در تبیین تغییرات ساختاری خانواده بر تغییر منظومه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأکید دارد. در همین راستا ویلیام گود (۱۹۶۳) با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است که فرآیند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین نظریه نوسازی با تأکید بر تغییرات ساختاری جوامع (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی)، تغییرات خانواده را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به‌منظور ظهور نیروی جدید اجتماعی یعنی جریان صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آموزش همگانی و غیره مرتبط می‌کند و تحولات ازدواج و خانواده را به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی؛ انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته در نظر می‌گیرد (Abbasi shoazi & Sadeghi, 2005: 27-28). بدین ترتیب رویکرد نوسازی در بحث تغییرات خانواده بر این باور است که نهاد خانواده تحت تأثیر عناصر نوسازی، هم‌ازلحاظ ساختاری و هم‌ازلحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. در جریان فرآیند نوسازی، ارزش‌های سنتی خانواده کم‌رنگ‌تر می‌شوند. پس تجدد در اصل نوعی نظم اجتماعی است که نظام کنش اجتماعی را از حیثه نفوذ احکام یا تکالیف و کردارهای از پیش تعیین شده دور می‌کند. به تعبیر گیدنز، جامعه جدید، جامعه‌ای است که از هژمونی گذشته و زمینه‌های محلی کنش به‌نوعی تهی شده است؛ و درهائیش را به روی آینده‌ای مسأله‌زا و ابهام‌آلوده گشوده است (Giddens, 2007: 171).



مدل نظری رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین

با توجه به مدل نظری «رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین» این پژوهش به دنبال آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

فرضیه‌های رابطه معناداری

فرضیه اصلی

- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاهش روابط عاطفی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاهش روابط جنسی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاهش روابط اجتماعی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاهش روابط خانوادگی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاهش روابط خویشاوندی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های تفاوت معناداری

فرضیه اصلی

- به نظر می‌رسد تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی متفاوت است.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- به نظر می‌رسد روابط عاطفی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.
- ۲- به نظر می‌رسد روابط جنسی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.
- ۳- به نظر می‌رسد روابط اجتماعی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.
- ۴- به نظر می‌رسد روابط خانوادگی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.
- ۵- به نظر می‌رسد روابط خویشاوندی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

ابزار و روش

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی و ازلحاظ زمان مقطعی و از نوع روش پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین منطقه یک شهر تهران می‌باشند که بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعدادشان ۱۱۲۹۸۶ نفر برآورد شده است که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و مطالعه بر روی آنها انجام شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که استادان جامعه‌شناسی خانواده روایی صوری و محتوایی ابزار را تأیید کردند و برای پایایی شاخص‌های پرسشنامه، تعداد ۳۰ نفر از زوجین منطقه یک شهر تهران به‌صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه تحقیق در میان

آن‌ها توزیع شد و میزان آن با استفاده از ضریب پایایی آلفای کرونباخ $0/73$ محاسبه شد که پرسشنامه این تحقیق، از نظر نوع اطلاعات با سؤال‌های پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) بسته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش ترکیبی از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای است که در این نوع نمونه‌گیری با توجه به انجام مصاحبه کتبی با ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) از زوجین منطقه یک شهر تهران، ابتدا فهرستی از محله‌های موجود در خوشه‌ها به کمک نقشه شهری تهیه گردید، سپس از خوشه‌ها نمونه‌گیری شده و متعاقباً از واحدهای درون این خوشه‌ها با شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نمونه‌ها انتخاب شد. جهت بررسی ارتباط معنی‌داری فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، جهت بررسی تفاوت معنی‌داری فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری مقایسه میانگین‌ها و جهت بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از ضریب همبستگی رگرسیونی استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آزمون‌های رابطه معناداری

فرضیه: بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱): نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

متغیر	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	حجم نمونه
کاهش روابط عاطفی	ضریب همبستگی $r = 0/77$ سطح معنی‌داری $sig = 0/000$	۲۰۰
کاهش روابط جنسی	ضریب همبستگی $r = 0/41$ سطح معنی‌داری $sig = 0/000$	۲۰۰
کاهش روابط اجتماعی	ضریب همبستگی $r = 0/69$ سطح معنی‌داری $sig = 0/000$	۲۰۰
کاهش روابط خانوادگی	ضریب همبستگی $r = 0/33$ سطح معنی‌داری $sig = 0/000$	۲۰۰
کاهش روابط خویشاوندی	ضریب همبستگی $r = 0/56$ سطح معنی‌داری $sig = 0/000$	۲۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۱، چون سطح معنی‌داری متغیرها کوچک‌تر از $0/05$ است. نتیجه آن این است که فرضیه صفر رد شده است و ارتباط بین متغیر مستقل (استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی) و متغیر وابسته (تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین) و ابعاد آن پذیرفته می‌شود. مقدار ضرایب همبستگی بیانگر این است که بیشترین میزان ضریب همبستگی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین مربوط به متغیر کاهش روابط عاطفی زوجین ($r = 0/77$) است و کمترین میزان ضریب همبستگی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین مربوط به متغیر کاهش روابط خانوادگی زوجین ($r = 0/33$) می‌باشد.

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

آزمون‌های تفاوت معناداری

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی متفاوت است.

جدول (۲): مقایسه تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی		
انحراف معیار	میانگین		مجازی	بله	
۱/۱۳۶۳۳	۳/۷۶۰۱	۲۰۰			
۱/۱۱۰۶۸	۲/۰۳۱۷	۲۰۰			
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کران پایین	کران بالا
۹/۴۳۱	۳۹۸	۰/۰۰۰	۱/۷۲۴۸	۰/۶۵۳۱۹	۱/۱۴۲۷۱

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند بیشتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد روابط عاطفی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

جدول (۳): مقایسه روابط عاطفی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

کاهش روابط عاطفی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی		
انحراف معیار	میانگین		مجازی	بله	
۱/۴۷۳۱۹	۳/۵۶۰۸	۲۰۰			
۰/۷۳۵۵۶	۱/۲۶۱۱	۲۰۰			
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کران پایین	کران بالا
۱۱/۲۴۸	۳۹۸	۰/۰۰۰	۲/۳۰۴۱۶	۱/۶۹۴۱۴	۲/۲۸۰۱۹

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین کاهش روابط عاطفی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، زمستان ۱۳۹۵

می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت روابط عاطفی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد روابط جنسی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

جدول (۴): مقایسه روابط جنسی زوجین بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

کاهش روابط جنسی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
انحراف معیار	میانگین		بله	خیر	
۱/۳۸۳۱	۳/۹۶۰۱	۲۰۰	بله		
۰/۹۱۷۶۲	۲/۳۴۱۷	۲۰۰	خیر		
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
کمران بالا	کمران پایین	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t
۱/۴۹۱۱	۱/۳۰۲۷	۱/۶۲۵۹۳	۰/۰۰۰	۳۹۸	۱۱/۵۰۹

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین کاهش روابط جنسی زوجین بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت روابط جنسی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد روابط اجتماعی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

جدول (۵): مقایسه روابط اجتماعی زوجین بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

کاهش روابط اجتماعی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
انحراف معیار	میانگین		بله	خیر	
۰/۷۶۲۵۶	۳/۸۴۷۹	۲۰۰	بله		
۰/۷۸۰۱۴	۲/۰۴۳۱	۲۰۰	خیر		
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
کمران بالا	کمران پایین	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t
۰/۳۶۶۲۷	۰/۰۴۴۸۱	۱/۸۰۴۸	۰/۰۰۰	۳۹۸	۳/۲۰۴

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین کاهش روابط اجتماعی زوجین بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت روابط اجتماعی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد روابط خانوادگی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

جدول (۶): مقایسه روابط خانوادگی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

کاهش روابط خانوادگی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
انحراف معیار	میانگین				
۰/۷۱۴۵۶	۳/۹۲۱۱	۲۰۰	بله		
۰/۷۷۳۳۹	۳/۸۵۶۱	۲۰۰	خیر		
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کران پایین	کران بالا
۴/۲۷۱	۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۲۲۶۱	۰/۰۳۵۰۶	۰/۲۳۷۱۸

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین کاهش روابط خانوادگی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت روابط خانوادگی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد روابط خویشاوندی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند.

جدول (۷): مقایسه روابط خویشاوندی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

کاهش روابط خویشاوندی زوجین		تعداد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
انحراف معیار	میانگین				
۱/۲۶۵۱۱	۳/۰۳۴۹	۲۰۰	بله		
۰/۷۳۸۲۴	۱/۱۷۰۶	۲۰۰	خیر		
آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها					
آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کران پایین	کران بالا
۱۶/۲۲۷	۳۹۸	۰/۰۰۰	۲/۳۰۵۰۰	۲/۱۰۲۳۶	۲/۶۳۲۲۰

با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت بین کاهش روابط خویشاوندی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اختلاف معناداری وجود دارد و نظر به این که میانگین گروه اول (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی

استفاده می‌کنند) بیشتر از میانگین گروه دوم (کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند) است، باید گفت روابط خویشاوندی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند کمتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. فلذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

جهت تعیین میزان تأثیرگذاری متغیر مستقل (شبکه‌های اجتماعی مجازی) بر متغیر وابسته (تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین) از رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص نمودن سهم و تأثیر مؤلفه‌های عمده شبکه‌های اجتماعی مجازی در تعیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. بر اساس نتایج حاصله که به روش رگرسیون همزمان انجام یافته است، می‌توان گفت که متغیر وابسته (تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین) بیشتر متأثر از متغیر میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. نتایج جدول زیر حکایت از آن دارد که سه متغیر مانده در مدل در مجموع توانسته‌اند ۰/۳۲ درصد از کل واریانس تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین را تبیین نمایند ($R^2=0/32$). همان‌گونه که یافته‌های جدول یادشده نشان می‌دهد، ۳ متغیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باهم در مدل دخالت داده‌شده و همه آن‌ها تأثیر معناداری بر تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین داشته‌اند. بنابراین، با توجه به یافته‌های اخیر می‌توان گفت که متغیر میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی در مقایسه با متغیرهای دیگر، در تبیین تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت خاصی می‌باشد؛ به طوری که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر چه زوجین فعالیت بیشتری در شبکه‌های اجتماعی مجازی داشته باشند، میزان تغییرات در روابط زناشویی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول (۸): آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین

متغیر	بتا	T	سطح معناداری	ضریب همبستگی چندگانه
عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی	۰/۱۹۴	۲/۴۳	۰/۰۰۰	۰/۵۶۹
میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی	۰/۴۵۶	۳/۵۶	۰/۰۰۰	۰/۳۲۳
نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	۰/۳۸۱	۴/۲۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴
آمالیز واریانس				۹/۵۸
				۱/۹
				۱۲/۱۹
				۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده بر اثر برخی از عوامل ناشی از فرآیندهای تجدد دچار تغییر و تحولات اساسی شده است. فرآیندهایی که خانواده ایرانی را در معرض چالش‌های جدی قرار داده است. این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در افزایش تغییرات در روابط زناشویی زوجین مؤثر می‌باشد. به بیان دیگر، میزان تغییرات در روابط زناشویی زوجینی

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی . . .

که در معرض شبکه‌های اجتماعی مجازی بودند، نسبت به زوجینی که هیچ‌گونه استفاده‌ای از این تکنولوژی نداشتند، افزایش معناداری داشت. این پژوهش با یافته‌های مطالعات سایر پژوهشگران (گلچین و همکاران، ۱۳۹۱؛ چراتی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رنجبری، ۱۳۹۴؛ مزیدی شرف‌آبادی، ۱۳۹۳؛ عرب انصاری و همکاران، ۱۳۹۳) مبنی بر رابطه رسانه‌های جدید (شبکه‌های اجتماعی مجازی) و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین همسو است.

فرضیه اصلی پژوهش که مبنای تحقیق حاضر می‌باشد این بود که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. ابتدا با استفاده از آزمون‌های آماری رابطه معناداری، به بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین و ابعاد آن پرداخته شد. یافته‌های حاصل از آزمون‌های آماری رابطه معناداری بیانگر این بودند که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیر مستقل) و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین (متغیر وابسته) و ابعاد آن (روابط عاطفی، جنسی، اجتماعی، خانوادگی، خویشاوندی) رابطه معناداری وجود دارد (Pearson Correlation=0/55). همچنین با استفاده از آزمون‌های تفاوت معناداری به بررسی تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین برحسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته شد. یافته‌ها بیانگر این بودند که روابط زناشویی زوجینی که در معرض پیام‌ها و محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار دارند (Mean=۳/۷) تفاوت معناداری با زوجینی دارد که هیچ‌گونه استفاده‌ای از شبکه‌های اجتماعی مجازی ندارند (Mean=۲/۱). در نهایت تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیر شبکه‌های اجتماعی مجازی (عضویت، میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی) به تنهایی ۰/۳۲ درصد از تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران را تبیین می‌کنند.

برای تبیین این یافته، ابتدا می‌توان به این نکته اشاره کرد که ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به حریم خانواده‌ها به‌عنوان بخشی از عناصر مدرنیته، مناسبات اعضای خانواده را به چالش کشیده است. به‌طوری‌که رویارویی زوجین با فضایی بی‌انتهای آنان را از ارتباطات حقیقی جدا کرده و به سمت روابط مجازی سوق داده است. در این وضعیت زوجین کمتر فرصت پیدا می‌کنند تا به روابط روزمره خود بپردازند و درگیر محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابطی می‌شوند که اغلب با خاصیت غریبی همراه است و این مسأله سبب سردی روابط زناشویی زوجین و در نتیجه شروع تغییر و تحولات در مناسبات خانوادگی می‌شود. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد تلاش برای به حداقل رساندن تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در کاهش تغییرات در روابط زناشویی زوجین، ضرورتی انکارناپذیر است؛ و این مهم میسر نخواهد شد. مگر از طریق توسعه روابط پایدار و صمیمیت و همدلی میان اعضای خانواده در بستر گفتگوهای صمیمی میان اعضای خانواده.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت زندگی روزمره خانواده‌هایی که در معرض شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار گرفته‌اند در سال‌های اخیر به سرعت دگرگون شده است؛ این دگرگونی خانواده‌های شهر تهران را در مسیر تغییرات عمده‌ای قرار داده است. در این راستا نتایج پژوهش حاضر مؤید این مسأله است که زوجین منطقه یک شهر تهران تغییرات اساسی را در شکل و محتوا تجربه کرده‌اند و این می‌تواند ناشی از شرایط خاص اقتصادی- اجتماعی ساکنین این منطقه باشد. چراکه به دلیل برخورداری از موقعیت خاص اقتصادی، زوجین این منطقه دسترسی آسانی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی دارند، فلذا تأثیرپذیری بیشتری از عناصر مدرنیته گرفته‌اند. بدین ترتیب به دلیل تفاوت موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین شمال شهر تهران، ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی بین آن‌ها دچار تغییرات اساسی شده و هنجارهایشان به هنجارهای جوامع جدید نزدیک‌تر و این باعث افزایش تغییرات در خانواده‌ها شده است.

بر اساس نتیجه تحقیق پیشنهاد می‌شود با آموزش نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، زوجین را به سمت بهره‌برداری صحیح از این تکنولوژی جهت سازمان‌دهی روابط زناشویی سوق داد تا از این طریق، با ایجاد حلقه‌ها و پیوندهای عاطفی، سرمایه‌های اجتماعی آنان افزایش یابد؛ عاملی که می‌تواند به کاهش تعارضات زناشویی در بین زوجین منجر گردد.

برای کاهش تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین طبق یافته‌ها، ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی و گسترش خانواده‌های پایدار اهمیت زیادی دارد. در صورت تحقق این امر می‌توان به صورت بنیادی‌تر در جهت رفع مشکلات در روابط زناشویی زوجین در مسیر تداوم و پایداری نهاد خانواده حرکت کرد.

References

- AbbasiShoazi, M.J. & Sadeghi, R. (2005). Ethnicity and marriage patterns in Iran, women research Journal, Volume 3, No 1 (Text in Persian).
- Ali Ahmadi, O. (2010). Contemporary developments of families in Tehran City, Tehran: Shahr Publishing (Text in Persian).
- Arab Ansari, M.Ramazani, H. & Salehi, M. (2014). The Study of the role of social networks and satellite in collapse of the foundation of the family, Police Protection and Security Studies Quarterly, Ninth year, No 31 (Text in Persian).
- Charati, I. Nimrooz Navkhi, N.Kazemi, Kh. & Charati, M. (2015). Sociological study of the impact of virtual social networks on Members of married life, The first international conference on the role of Islamic Revolution Management in the geometry of global system power (Management, policy, economy, culture, security, accounting), Tehran: Permanent Secretariat of the International Conference of The epic saga of political and economic, http://www.civilica.com/Paper-ICPEEE02-ICPEEE02_285.html.
- Cheal, D. (2009). Family in Today's world, Translated by Mohammad Mehdi Labibi, Tehran: Naghde Afkar Publishing Company (Text in Persian).
- Fazeli, N. (2011). Species emerging of family in Tehran, Tehran: Conference on Women and urban life (Text in Persian).
- Ganji, M.Niazi, M & Malekpoor, M. (2015). The effect of addiction to new communication technologies (internet and satellite) on the disruption of family in shahrekord, Journal of Social Studies and Research in Iran.Fourth period, No 1 (Text in Persian).
- Giddens, A. (2004). Global perspectives, Translated by Mohammad Reza Jalaeeypoor. Tehran: TarheNo Publishing (Text in Persian).
- Giddens, A. (1999). Modernity and Self Identify: Self and in the late modern age, Translated by NaserMovafagian, Tehran: Ney Publishing (Text in Persian).
- Giddens, A. (2007). Sociology, Translated by ManochehrSabori, Tehran: Ney Publishing (Text in Persian).
- Giddens, A. (1992). The transformation of intimacy, Cambridge: polity press.
- Golchin, M.Sakhaei, A & Afshani, A. (2012). The study of amount and type of use of Persian-language Satellite channels and Family Relationships among Citizens of Tehran, Journal of Strategic Studies of women, Fourteenth year, No 56 (Text in Persian).
- Goode, W.J. (2003). Family changes over the long term: A sociological commentary, Journal of family history, 28 (15): PP 16-32.
- Good, W. (1963). World Revolution and Family patterns' press publication. New York.
- Jayakody, R, A. Thornton, & W. Axinn. (2007). International Family Change, Ideational perspectives, New York: Taylor and Francis group, LLC.
- Kenear, P. (2004). New Family for New Time, London: Allyn and Bacon.
- Kraut, R.Lundmark, v. Patterson, M.Kisler, S. & Mukapadhyay, T. (1998). Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological well-being? American Psychologist, 53:1017-1031.
- Labibi, M.M. (2014). Family in 21st century, Tehran: Elm Publishing (Text in Persian).
- MazidiSharafabadi, M.R.Mortazavi, M.R.Afshani, S.A. (2014). Comparison of attitudes divorced and married individuals about satellite role in family cohesion. Sociological studies of Youth, the fourth year. No 13 (Text in Persian).
- Mohseni Tabrizi, A. (2004). Vandalism and introduction to social psychology, sociology and vandalistic psychology in social pathology and deviant behavior issues, Tehran: An Publishing (Text in Persian).

- Ranjbari E. (2015). Social networking, connecting or the suppliers of the Family and marital relations, Second International Conference on Behavioral Science and Social Studies, Istanbul, Vira institute of modiraneidepardazpaitakhte (Text in Persian). <http://www.civilica.com/Paper-IBSCONF02-IBSCONF02-009.htm>.

- SadeghiFasaiy, S & Erfanmanesh, E. (2013). Sociological analysis of the effects of modernization on Iranian family and the importance of developing the Iranian-Islamic model. Journal of Women in Culture and Arts, No. 1. (Text in Persian).

- Wellman, B. & Cowan Haas, A. (2008). Social networking, participation and social commitment. Translated by ShirzadFallah Azad. Tehran: Farhang & Fanavari (Text in Persian).

